

## میترا ئیسم

### پروین استخری

میترا

Mithra

مهرپرستی از ادیان قدیمی و از عقاید کهن در ایران باستان بود و گروهی معتقدند که آریائی‌ها آن را با خود به سرزمین ایران آوردند. ایرانیان باستان عقیده داشتند که میترا خدای نور ازل و آسمانی است. در اوستا نیز از میترا مانند خدائی مقتدر و قهار و جنگاور نام برده شده که برای پیروزی اورمزد بر اهریمن به وی کمک می‌کند.<sup>۱</sup> در کتیبه‌های هخامنشی میترا با تلفظ اوستائی آن «میثر» آمده است و در زبان سانسکریت «میثره» آمده و در زبان پارسی امروزی «مهر» خوانده می‌شود و در پهلوی «میثر». قدیمی‌ترین نوشته‌ای که نام میترا در آن آمده، کتیبه‌ای است که در ناحیه «بُغازکوی»، در ترکیه امروزی، در شهر کاپاتوکا کشف شده است.<sup>۲</sup> در وداها، کتاب دینی هندوان، جز در یکی دو مورد، آن هم به اختصار، از میترا یاد نشده است. زیرا در وداها همواره نام میترا با وارونا ملازم یکدیگر بوده و نامشان با هم آمده است و این در صورتی است که در اوستا به خاطر موقعیتی که میترا دارد و از مقام والائی برخوردار است، نامش تنها آمده است.

۱. تاریخ ادیان ایران، علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا، [بی‌تا]، صص ۱۵۱ - ۱۵۰.

۲. سیر اندیشه‌های دینی در ایران، محمدجواد مشکور، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵، ص ۱۷.

به عقیده پیروان میترا - گروهی از دانشمندان آن را با خورشید یکی دانسته و گروهی بر تفاوت میان آنان قائل هستند - روزی به صورت آدمی در غار کوهی در صخره سما / صما ظهور کرد - به گفته فرانس کومن<sup>۱</sup>، میترا از تخته سنگی به وجود آمد و به محض تولد وی که توأم با صدای شکافتن صخره بود، چوپانان برای پرستش او گرد آمدند. در آغاز با خورشید متحد شده، سپس یک گاو وحشی را مقهور کرد، به عبارتی آن را بر پشت خوابانیده پاهای حیوان را گرفته، به همین طریق آن را تا غاری روی زمین کشاند و در آن غار گاو را زندانی کرد، ولی گاو موفق به فرار شد. در این هنگام او رمزد یا خورشید به وسیله کلاخی به میترا دستور داد که گاو را هلاک کند. میترا گاو را تعقیب کرده و پوزه او را در مشت خود گرفته، با یک ضربه خنجر، گاو را به قتل رساند.<sup>۲</sup>

هر جا که قطره‌ای از خون فشانده شد، زمین سرسبز و باروری پیدا شد و به عبارت دیگر از بدن گاو خوشه‌های گندم و درخت تاک و سایر نباتات خارج شد.<sup>۳</sup> در تصویری که از پیکر تراشان مکتب پرگامون<sup>۴</sup> به جای مانده، میترا در حالی که گاو را می‌کشد، یک عقرب روی آلت تناسلی گاو و یک مار در حال مکیدن خون حیوان دیده می‌شوند.<sup>۵</sup>

گروهی از دانشمندان عقیده دارند که این حشرات موذی احتمالاً مخلوق اهریمن هستند که بدون موفقیت کوشش می‌کنند تا چشمه‌های حیات را که نطفه و خون گاو است، مسموم نموده، از میان ببرند. در عوض گروه دیگر را عقیده بر این است که شاید مار و عقرب، علامت زمین و تولید نسل، از عناصر نیکی باشند که نماینده انواع حیواناتی هستند که از نطفه گاو قربانی شده به وجود می‌آیند. روح گاو پس از کشته شدن، به آسمان‌ها می‌رود و از آنجا بر گله‌های دام نظارت و حمایت می‌کند.<sup>۶</sup>

1. Franz Cumont.

۲. سیر اندیشه‌های دینی در ایران، ص ۱۹.

۳. تمدن ایرانی، مقاله میترا، اثر هانری شارل پویش، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، صص ۱۵۱ - ۱۵۰.

4. Pergamene.

۵. ایران و تمدن ایرانی، کلمان هوار، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۱۴.

۶. تمدن ایرانی، ص ۱۵۱.

میترا با این افسانه خالق موجودات نیک است و به موجودات حیاتی تازه می‌بخشد و پیوسته با عنصر شر در نزاع است و از نیکی‌های خلقت، از آنچه به اورمزد وابسته است، طرفداری می‌کند و در رنج و درد حیوانات قربانی شده شرکت می‌کند. در نقوش برجسته‌ای که این واقعه را نقل می‌کند، قیافه میترا اندوهناک است و علائم رنج از آن هویداست. گاهی نیز سر خود را برای احتراز از دیدن منظره خونین برمی‌گرداند.<sup>۱</sup> دربارهٔ زایش یا تولد میترا افسانه‌های دیگری هم هست و به موجب این افسانه‌ها زایش میترا از دوشیزه‌ای که در آب بارور شده و از دید مهرپرستان یکی از برجسته‌ترین رویدادها بوده است، از این روی در نمادها و یا سمبل‌های مهری همبستگی ویژه‌ای با آب و آنچه در آب بارور می‌شود و می‌روید، دیده می‌شود که برجسته‌ترین آنها «مروارید»، «دلفین» و «نیلوفر» است.

میترا همواره با عنصر شر در نزاع است و از نیکی‌های خلقت و آنچه که مربوط به اورمزد است، طرفداری و حمایت می‌کند. او مانع خرابی طوفان است و اگر خشکسالی پدید آید، با پرتاب تیری از کمان خود سبب می‌شود تا آب از زمین بیرون جهد.

از نظر مهرپرستان، روزی می‌رسد که میترا مأموریتش بر روی زمین تمام شده و به آسمان نزد اهورامزدا برمی‌گردد. این بازگشت توأم با ضیافتی است که در آن به اتفاق خورشید و یاران رزمش شرکت می‌کند، او در حالی که سوار بر گردونه خورشید است، به عالم بالا می‌رود. میترا در عالم بالا نیز از کمک به انسان دریغ نمی‌نماید و کسانی که بدو اعتقاد دارند و در عالم سفلی قرار گرفته‌اند، مورد مهر او واقع می‌گردند و در عالم بالا روح آنها را برای انجام دادن مسافرت از هفت طبقه آسمان تا طبقه هشتم که مقر نور و آرامش است، هدایت می‌نماید.<sup>۲</sup>

میترا در روز قیامت باز بر روی زمین خواهد آمد و تمام مرده‌ها را زنده خواهد کرد و خوبان را از گنهکاران جدا خواهد ساخت و گاوهای بسیار عالی را که در آن موقع پدیدار خواهد شد، قربانی خواهد کرد و چربی آن را با شیره مقدس «هئومه» مخلوط کرده،

۱. تمدن ایرانی، ص ۱۵۱، از نقش برجسته یاد شده در موزه تورنگهداری می‌شود.

۲. گاه شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، ذبیح‌الله صفا، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، [بی‌تا]، ص ۲۴.

به نیکوکاران خواهد داد و آنها بدین طریق جاویدان خواهند شد و اهریمن و طرفدارانش در آتش خواهند سوخت.<sup>۱</sup>

مذهب میترا به مرور و دهور به آسیای صغیر رسید - گرچه عده‌ای معتقدند که زادگاه میترا در فریژی، یعنی قونیّه امروزی است - و از آنجا به وسیله دزدان دریائی اهل سیسیل که اسیر پمپه<sup>۲</sup> شده بودند، به روم برده شد و با سپاهیان رومی به نواحی رن و دانوب رسید.<sup>۳</sup>

پس از آن میترائیسم با سرعت عجیبی در تمامی قاره اروپا پخش شد. نرون به وسیله تیرداد، پادشاه ارمنستان، به مذهب میترا گروید و میترائیسم در تمامی قلمرو امپراطوری روم رایج شد؛ بعدها در عصر امپراطورانی چون: کومودو کاراکالا به اوج ترقی خود رسید.

امروزه آثار زیادی از مذهب میترا در اروپا ترانسیلوانی، دالماسی، سواحل رود دانوب، مجارستان، اتریش، ایستری، انگلیس، فرانسه و شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) یافت می‌شود و بیشتر این آثار در طول جاده‌های بزرگ ارتباطی و سواحل رودخانه‌ها، محل پادگان‌های قدیمی رومی و مناطق حاصل خیز و سرسبز اروپائی مشاهده می‌شود.<sup>۴</sup>

پیروان میترا معتقدند که زندگانی این جهان آخرین مرحله وجود نیست، بلکه عمر انسان به منزله دروازه‌ای است که آدمی از آن گذشته و به عالم دیگر قدم می‌گذارد و عمر جاودانی حاصل می‌کند، اگر نیکوکار باشد به بهشت و اگر گناهکار باشد راهی دوزخ می‌شود. بدین ترتیب چون روز واپسین فرا رسد، اموات در آن روز از جایگاه خود برمی‌خیزند [رستاخیز]، سپس میترا یکایک آنان را به نام خوانده، آنان که ثواب‌کارند و دارای اعمال حسنه، به آسمان نورانی (طبقه هشتم) و آنان که مرتکب اعمال بد شده‌اند، در دنیای ظلمت افکنده می‌شوند. (مسأله بازگشت و رستاخیز در تمامی ادیان به نوعی

۱. تمدن ایرانی، ص ۱۵۲.

## 2. Pompée.

۳. ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۴، ص ۳۲۰.

۴. تمدن ایرانی، صص ۱۵۷، ۱۵۸.

رسوخ دارند)<sup>۱</sup>

مهرپرستان هر سال در ماه مهر گاوی را زینت کرده، با جلال و جبروت به میدان شهر آورده، ذبح می‌کردند و پس از عزاداری گوشت گاو را پخته و می‌خوردند، بدین جهت که از اعضای معبود در بدن آنها باقی ماند و آنان را به طرف معبود رهنمائی کند. مهرپرستان روز یکشنبه را روز آفتاب می‌خواندند و روز تعطیل و روز عبادت برای آنان بود.

پیروان میترا پس از طی یک سلسله آداب مهری که عبارت از هفت درجه یا هفت منصب مهری است، به مرحلهٔ مرد مهری (= آدم) می‌رسند و این هفت مرحله اسم رمزی داشت: کلاغ، همسر، سرباز، سبز، پارسی، پیک خورشید (مهر پیمان) و پیر (مرشد).<sup>۲</sup>

مهرپرستان سال خود را با ماه «بغ باد» یعنی ماه عبادت بغ (خدا) شروع می‌کردند و این ماه مطابق بود با ماهی که امروزه مهر نامیده می‌شود. سال نو در ایران باستان از آغاز زمستان بزرگ شروع می‌شد و جشن مهرگان جشن سال نو و جشن نوروزی که امروزه جشن آغاز سال نو است، آغاز تابستان بزرگ بود و جشن مهرماه یکی از بزرگترین جشن‌ها محسوب می‌شد و آن را میتراگانا می‌نامیدند.<sup>۳</sup>

پس از آن که آئین مهر در اروپا ریشه دوانید و گروهی از مردم اروپا به نیایش مهر پرداختند، به عنوان روز ولادت خدای خویش در هر سال جشنی برپای کردند و در حقیقت به رایج کردن جشن مهرگان در اروپا پرداختند. به نوشتهٔ کومون در کتاب خود به نام آئین میترا: جشن روز ولادت خورشید مغلوب نشدنی در روم که مصادف با ۲۵ دسامبر است و بعد از نفوذ دین عیسی در اروپا به جشن «روز ولادت مسیح» مبدل شد، همین جشن مهرگان است.<sup>۴</sup>

۱. آئین مهرپرستی، ورمازرن، ترجمهٔ بزرگ نادرزاد، تهران، طهوری، ۱۳۴۵، ص ۵۰.

۲. طوق طریق هفت وادی در منطق الطیر نیز شباهت تامی به همان مراسم میترا ایسم دارد.

۳. گاه شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، ص ۲۶.

۴. همان مأخذ، صص ۳۵-۳۶ و ادبیات مزدیسنا، پورداود، یشت‌ها، ج ۱، ص ۳۹۶.

## مهرگان در عصر هخامنشیان

در عصر هخامنشیان توجه به مهر و مهرپرستی در حدّ اعلای خود بود، مهر نیرو دهنده پیروزی و سربلندی نصیب ایرانیان کرده بود و به عقیده سربازان هخامنشی، مهر حافظ سرزمین مقدّسشان بود. مهر به منزله فرشته‌ای بود که تا پیش از برآمدن خورشید ایران زمین را حراست می‌کرد، پس تولّد چنین فرشته‌ای را با شکوه و جلال تمام جشن می‌گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

قرائن مذهبی و تاریخی در عصر درخشان هخامنشیان، بیانگر آن است که کوروش به مهر اعتقاد وافری داشته تا آنجا که به مهر سوگند یاد می‌کرده و پوشیدن لباس ارغوانی و بخشش هدایا و عفو گناهکاران و خطاکاران نیز در مراسم مهرگان وجود داشته است.<sup>۲</sup>

احترام و اعتقاد هخامنشیان به مهرگان را باید از سینه سنگ نبشته‌ها و مهرهای پادشاهان هخامنشی دریافت. اردشیر دوم در کتیبه‌ای که در همدان به دست آمده، در بند دوم آن چنین می‌نویسد:

این هدیش (کاخ) را به خواست اهورامزدا، آناهیتا (ناهید) و میترا من بنا کردم، اهورامزدا، آناهیتا و میترا مرا از هر بلا بپایند و این را که بنا کرد خراب نکند و صدمه نرساند.<sup>۳</sup>

و باز در کتیبه دیگری از اردشیر دوم که در زیر ستونی در شوش به دست آمده می‌نویسد:

بند ۲: اردشیر شاه گوید: به خواست اهورامزدا این کاخی است که من در زندگانی خود (چون) آسایشگاهی بنا کردم. اهورامزدا، آناهیتا و میترا (مهر) را که به وسیله من کرده شده، از تمام بلا بپایند.<sup>۴</sup>

۱. در برخی از منابع مهر را با خورشید یکی گرفته‌اند، در حالی که مهر به هنگام زایش نخستین با خورشید پیمان بست. این تصوّر در جهان فرهنگ نویسان و ادبای بعد از اسلام ایرانی به شدت ریشه دوانید. البته در عهد باستان هم گاه این خطا صورت گرفته، مثلاً استرابون از مورّخان قدیم میان مهر و خورشید فرقی نگذاشته است.

۲. مهرگان جشن شاهان و خسروان، رضا ایزدی، استانداری استان مازندران، ۱۳۵۰، صص ۷۴-۷۳.

۳. فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، رلف نارمن شارب، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۳۸.

۴. همان مأخذ، ص ۱۳۹.

و همچنین اردشیر سوم، در یک سنگ نبشته‌ای که در تخت جمشید به دست آمده، از اهورامزدا و میترا طلب یاری می‌کند:

بند ۴: اردشیر شاه گوید: اهورامزدا و میترای خدا مرا و این کشور را و آنچه را به وسیله من کرده شده، بپایاد.<sup>۱</sup>

در کتیبه‌های خشیارشا، در تخت جمشید، به صراحت از میترا نام برده نشده، اما او پیوسته از اهورامزدا و خدایان دیگر استمداد می‌کند:

بند ۳: کتیبه خشیارشا در کاخ خصوصی داریوش در تخت جمشید:

خشیارشا، شاه بزرگ گوید: به خواست اهورامزدا این کاخ را داریوش شاه که پدر من (بود) بنا کرد. مرا اهورامزدا با خدایان بپایاد و آنچه به وسیله من کرده شد و آنچه به وسیله پدر من داریوش شاه کرده شد، آن را اهورامزدا با خدایان بپایاد.<sup>۲</sup>

و یا در بند ۳ کتیبه خشیارشا در تخت جمشید:

خشیارشا، شاه بزرگ گوید: به خواست اهورامزدا این کاخ را من بنا کردم، مرا اهورامزدا با خدایان و شهریاران ام را و آنچه را به وسیله من کرده شده، بپایاد.<sup>۳</sup>

از این قبیل کتیبه‌های خشیارشا در تخت جمشید موارد دیگری هم دیده شده که او از اهورامزدا و خدایان دیگر که قطعاً میترا نیز جزء آن خدایان است، استمداد می‌طلبد.

اضافه بر کتیبه‌ها (سنگ نبشته‌ها) نمادهای میترائی بر بناهای هخامنشی نیز دیده می‌شود، مثلاً در مدخل دروازه خشیارشا در تخت جمشید، تصویر و تندیس گاوهای ریش‌دار و بال‌دار با سرهای انسانی که تجسم مهر هستند، به منظور پاسداران کاخ هخامنشی وجود دارد و یا مجموعه گاوها تشکیل صلیبی را داده‌اند که از نمادهای مهری است و همچنین صلیب مهری بر روی بنای آرامگاه داریوش، در نقش رستم نیز به چشم می‌خورد. بلندی این بنا یا آرامگاه بیست و یک متر است و حجاری‌های نمای ورودی در دل کوه بر سنگی نقش شده که شکل صلیب را دارد.<sup>۴</sup>

۱. فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، ص ۱۴۱ ۲. همان مأخذ، ص ۱۱۲.

۳. همان مأخذ، ص ۱۱۳.

۴. ماه در ایران از قدیم‌ترین ایام تا ظهور اسلام، مهرانگیز صمدی، تهران: شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

مهر و آناهیتا، خدای آب‌ها که به عنوان الهه باروری اعتبار بسیار داشت، همراه با اهورامزدا در عهد هخامنشیان، تثلیث مقدسی را تشکیل دادند. در زمان اردشیر دوم مجسمه‌های ناهید در مراکز شاهنشاهی او نصب شده بود و در برخی کتیبه‌های فارسی باستان - چنان که گذشت - میترا و آناهیتا به نام خوانده می‌شوند.<sup>۱</sup>

در نوشته هروودوت - درباره عادات و آداب هخامنشیان - از اعتقاد مردم و پادشاهان این سلسله به مهر به تفصیل آمده است و کزنفون در کوروش نامه می‌نویسد که سلاطین هخامنشی به مهر سوگند می‌خوردند و داریوش در یک امر مهم به یکی از سرداران خویش تذکر می‌دهد که راست بگوید و از مهر بترسد.<sup>۲</sup>

کتزیاس، طبیب یونانی اردشیر دوم می‌نویسد که در میان جشن‌های فراوان ایرانی، پادشاه حق داشت در جشن مهرگان برقصد و پایکوبی کند و می‌گساری نماید. بنا به نوشته او شاهان هخامنشی نمی‌بایست مست شوند، مگر در روزی که ستایش و نیایش مهر را جشن می‌گرفتند و او می‌افزاید که شاه در این روز لباس ارغوانی می‌پوشید.<sup>۳</sup>

در جشن مهرگان شهرداران، والیان ایالات و ولایات یا ساتراپ‌ها و به عبارت هخامنشی آن خشتراپاون‌ها هر یک به توبه خود هدایائی برای پادشاهان هخامنشی ارسال می‌داشتند و به شیوه نوروژ، صاحب بار هر یک از نمایندگان مذکور را به نوبت به حضور شاه می‌برد، به نوشته استرابون، جغرافی‌دان یونانی، ساتراپ ارمنستان هر ساله برای پادشاه هخامنشی هزار کره اسب می‌فرستاد تا آنکه در جشن مهرگان از نظر وی بگذرد<sup>۴</sup> تا هدایای خود را از نظر وی بگذراند.<sup>۵</sup>

### تأثیر میتراثیسم در مسیحیت

توسعه و نفوذ گسترده میتراثیسم از یک سو و مقارن آن ظهور و پیدایش مسیحیت در

۱. ماه در ایران از قدیم‌ترین ایام تا ظهور اسلام، ص ۳۵.

۲. مهرگان جشن شاهان و خسروان، ص ۷۴. ۳. پشت‌ها ۱، پورداود، ص ۳۹۶.

۴. همان مأخذ، همان‌جا و مهرگان جشن شاهان و خسروان، ص ۷۵.

۵. گاه شماری و جشن‌های ملی ایرانیان، ص ۴۳.



اروپا از سوی دیگر موجب کشمکش و جدال صد ساله میان آن دو مذهب در اروپا شد که هر یک برای تداوم و بقای خود تلاش می‌کرد. گرچه مسیحیت توانست جانشین میتراثیسم در اروپا شود، ولی ناگزیر شد که بسیاری از آئین میتراثیسم را بپذیرد تا به حیات ادامه دهد.

مسیحیت تفاوتی چندان با ادیان پیش از خود ندارد و اصولاً آمیخته‌ای از مذاهب پیشین است. کتاب مقدس (انجیل) همانند سایر کتاب‌ها نوشته انسان است، خدای دین مسیح همان یهوه، خدای پیغمبران یهودی است که به شکل پدر ملکوتی نمایان شده است. عالم بالا که غالباً در کتاب‌های مسیحی از آن ذکری به میان آمده، همان اصل مقدسه مراسم مردمان نخستین است که مافوق زمین و بر آن امتیاز دارد و اصل تقدیس ارتفاعات و برآمدگی‌ها بر سطح هموار در کلبه است.

عیسی پسر مریم همانند پرسه Persée فرزند دانائو Danaë است که هر دو به طور معجزه‌آسایی از چنگ دشمنان رهایی می‌یابند. عیسی نظیر دیونیزوس، هوروس، اوزیریس، آدونیس و دیونیزوس زاگروس می‌میرد و دوباره زنده می‌شود.

شکنجه‌های وارده بر عیسی را می‌توان به راحتی در افسانه‌های بابلی مشاهده کرد که شباهت به سرگذشت آتیس و تموز دارد. عقیده به تثلیث را می‌توان در بیشتر ادیان مشاهده کرد. داستان باکره بودن مریم و رابطه او با روح القدس، یادآور خاطرات الهه‌هائی چون: ایزیس، ایشتار، آستارته و سیبل است. مریم همچون دمتر Déméter مادری رنجور است. تمثال مریم مقدس که عیسی را در بغل دارد، یادآور ایزیس است که هوروس کوچک خود را دربر گرفته است. شیطان دین مسیح انگرامینو Angramanyou زائیده افکار ایرانیان است و از بقایای جان پرستی: فرشتگان، دیوان و ارواح مقدس می‌توان نام برد. داوری عالم به معاد آئین مزدیسنا شباهت دارد، وعده حیات ابدی در دین مسیح همان اصول عرفانی اورفیگری Orphiques و دیونیزی Dionysiens است؛ و جهنم‌های مسیحیت به دوزخ‌های اورفیایان مانند. پوشش لباس روحانیون مسیحی و تراشیدن فرق سر ایشان یادآور روحانیون ایزیس مصر است و صدها مراسم و آئین آنان یادآور مکاتب و ادیان بدوی و ابتدائی است.<sup>۱</sup>

۱. تاریخ مختصر ادیان بزرگ، فلیسین شاله، ترجمه خدایار محبتی، تهران، طهوری، ۱۳۵۵، ص ۴۵۸.

شگفت‌انگیز است که هیچ یک از ادیان قدیمی همچون میتراثیسم در عیسویت نفوذ نکرده است؛ زیرا از مقایسه آئین میتراثیسم و مراسمی که در آن اجرا می‌شود با مسیحیت پی به واقعیت خواهیم برد.

روز پایان مأموریت میترا در زمین ضیافتی برپا می‌شود که میترا در آن ضیافت به اتفاق یاران هم‌رزمش شرکت می‌کند، یاران میترا دوازده نفر هستند که حواریون مسیح نیز همین تعدادند. در شام میترا که هواداران او نان متبرک و شراب می‌نوشند، همانند شام آخر عیسی با حواریون است.

پیروان میترا عقیده به جهان دیگر دارند تا نامه اعمال این جهانی آنان در روز واپسین توسط میترا بررسی شود. پیروان مسیح نیز اعتقاد به روز رستاخیز و جزای اعمال نیک و بد دارند (رستاخیز در ادیان مختلف وجود دارد به ویژه در ادیان سامی).<sup>۱</sup> گفته شد که مهرپرستان هر سال در ماه مهر گاوی را زینت کرده با جلال و جبروت به میدان می‌آورند تا پس از قربانی، گوشت را پخته و می‌خورند و این بدان منظور است که از اعضای معبود در بدن آنها باقی ماند و او را به طرف معبود رهنمائی کند. این عمل مشابه کار مسیحیان است که با خوردن نان و شراب که عبارت از گوشت و خون عیسی باشد، همان اعمال را انجام می‌دهند که عشاء ربّانی نام دارد. همچنین آداب روزه‌داری برای عیسویان که پرهیز از خوردن گوشت است، از مهرپرستان به یادگار مانده است.

روز ۲۵ دسامبر، زادروز مهر را که مهرپرستان جشن می‌گرفتند، عیسویان روز تولد مسیح شناخته و در آن روز به جشن می‌پردازند. همچنین روز یکشنبه را مهرپرستان روز مهر می‌خواندند و روز تعطیل و روز خاص مهر بود که مسیحیان آن روز را Sunday گفته و تعطیل هستند و برای عبادت به کلیسا می‌روند.

گفته شد که پیروان میترا پس از طی یک سلسله آداب مخصوص از هفت مرحله گذشته و هر مرحله اسم رمزی داشت (کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، مهریما و پیر یا مرشد) و بیشتر این هفت مرحله در آئین مسیحیت موجود است. مثلاً در میتراثیسم پیشانی شخص تازه وارد را با رنگ مقدس ملون ساخته، سپس با جامعه همدینان خود نان و آب و یا نان و شراب به اسم عشاء ربّانی مسیحیان می‌شکسته و چند قطره غسل

روی زبان تازه وارد می‌چکانیده و قربانی را با دعا و ترتیلات مخصوص گذرانیده، آنگاه آن شخص را با خون گاو نر تمعید می‌دادند. این مراسم همان غسل تمعید عیسویان است، به عبارتی مراسم غسل تمعید که اساس مذهب میتراثیسم بود، به صورت سنت اصلی مسیحیت درآمد.<sup>۱</sup>

پیروان میترا همدیگر را برادر خطاب می‌کردند که مسیحیت نیز آن را قبول کرد (در فراماسونی که سازمان و تشکیلات آن اروپائی است و بنیان‌گذاران آن نیز در اروپا مسیحی بودند، همین لفظ را برای اعضا به کار می‌بردند).

هنگام تولد میترا چوپانان برگرد او جمع شدند و او را پرستیدند، همان گونه که در انجیل مذکور است، عیسی نیز پس از تولد مورد ستایش چوپانان قرار گرفت. افروختن شمع در کلیسا، حوضچه آب مقدس در مدخل کلیسا، خواندن سرود دسته جمعی، با نواختن موسیقی نیز اقتباس از مراسم معابد میتراثی است. شمعدان هفت شاخه‌ای کلیساها و نقش هلال بالای این شمعدان نیز اقتباس از عدد هفت و ماه میتراثی است.

بالاترین مقام در هفت مرتبه میتراثیسم پدر یا مرشد یا پیر است که در مسیحیت تبدیل به پاپ شده است.<sup>۲</sup>

برخی از صاحب منصبان مهری نظیر همسر که با میترا به وسیله ازدواج عرفانی مربوط شده‌اند و از آن مرتبه به مقام بالاتر ترفیع نیافته بودند، در عداد پرهیزگاران و رهبانان محسوب می‌شوند و مقام رهبانیت مسیحی نیز اقتباس از میتراثیسم است. از لابه لای نوشته‌های فوق و دیگر نوشته‌های موجود، چنین نتیجه گرفته می‌شود که دو مذهب مسیحیت و میتراثیسم در اروپا چندین قرن متوازیاً زندگانی داشته و در یکدیگر تأثیر به سزائی داشته‌اند و هر دو مذهب در بسیاری از مبادی و عقاید اشتراک داشته‌اند، تا زمانی که مسیحیت باقی مانده و میتراثیسم از بین رفته است. امروز تجلیات میتراثیسم در بسیاری از ادیان بعد از خود همانند مسیحیت، مانوی و... مشاهده می‌شود.

۱. تمدن ایرانی، ص ۱۶۰.

۲. تقویم و تاریخ در ایران، ذبیح بهروز، ایران کوده ۹۴ و تأثیر وجود خارجی مهر در اوایل اشکانیان، ایران کوده.